

## ضعف مفرط رسانه‌ها در ترویج فرهنگ دینی

در لغتنامه دین به معنای راه و روش زندگی است و دینی کامل است که تمام جوانب زندگی فردی و جمعی را تعریف کرده باشد. ما ادا داریم اسلام کامل‌ترین دین در جهان است؛ ادعایی که البته بی‌حق است و از نظر بررسی جزئیات و کلیات قابل مقایسه با هیچ دین دیگری نیست. در طول قرن‌ها مناظرات و مباحثات نیز این موضوع را به خوبی نشان داده است و به قول شه‌یرا ایرانمنش روحانی مبلغ ایرانی در برلین فقط یک مصداق کوچک کافی است تا حقایق اسلام را ثابت کنیم و آن اینکه بزرگان و روحانیون ارشد همه ادیان از اسقف تا خاخام گرفته تا مفتی‌ها و رؤسای فرق دینی به تعداد زیادی بوده‌اند که مسلمان و شیعه شده‌اند، اما هیچ روحانی متخصص اسلامی (نه یک طلبه ساده حوزوی که ملیس باشد یا بیشتر از تخصص در دین هیاهوی سیاسی کند) ندانسته‌ایم که به ادیان دیگری برود، یعنی مسیحی، یهودی و زرتشتی بشود، دلیل آن هم این است که اسلام کامل است، با وجود این پس چرا ما در جامعه خود این همه مشکل داریم؟! ما که شیعه هستیم، چه چیزی کم داریم که جامعه‌مان به اینلانات کنونی دچار شده است؟! اگر فاکتور دشمنان خارجی و منافقان داخلی را کنار بگذاریم که البته غیرقابل کتمان است، حقیقت آن است که ما به قول آیت‌الله بهجت به آنچه می‌دانیم عمل نمی‌کنیم تا آنچه نمی‌دانیم را برآیمان روشن‌کنند، می‌دانیم دروغ بد است، ولی شاید در روز چندین بار دروغ بگوییم، می‌دانیم در روز عاشورا امام حسین(ع) به قاتلان عابد و زاهد خود فرمودمشکل شما لقمه حرام و شهه‌انگ است، اما در کسب رزق و روزی خود کمتی دقت می‌کنیم، می‌دانیم غیبت، تهمت و حسادت بد است ولی اغلب راه‌های بالا رفتن خودمان را با همین پلکان بازی می‌کنیم، پس دین مشکل ندارد، بلکه درک ناقص ما از دین است که دچار محدودیت و کاستی در مسلمانی شده‌ایم، این هم ناشی از کم‌کاری و بدکاری رسانه‌های حقیقی و مجازی و همچنین دست‌اندر کاران فرهنگی در جامعه است که نتوانسته‌اند آن طور که باید عناصر فرهنگ اصیل دینی را میان افراد جامعه تزییق کنند.

مذهب ما خوب و کامل است ولی واقعیت آن است که ما عاملان خوبی برای آن نیستیم، در این مسیر منبری‌ها و حوزه علمیه شاید بیشتر از سایر بخش‌ها مقصر باشند چراکه به عنوان مبلغان دین از آنها انتظار بیشتری می‌رود تا کسانی که فر هنگ دینی باشند، مثلاً مساجد به جای آنکه محل کار گشای مسائل روزانه مردم باشند، عملاً محدود به یک یا دو نوبت نماز شده‌اند، موضوعی که در احادیث و روایات ائمه‌الزمان به آن هشدار داده شده ولی اغلب علما و نخبگان جامعه ما این هشدارها را روحوانی کرده‌اند، بنابراین فرهنگ دینی مسئله جامع و کاملی است که اگر در دست در جامعه پیاده‌سازی شود، قطعاً بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی حل خواهد شد، لذا باید تک‌تک ما فرهنگ زیست دینی را به دل‌های بشر دسیم.

## چهار جهان

پاسخ‌پایزگر آثار مارول به انتقادها

## سرمایه‌دارها در سینما همه چیز را تعیین می‌کنند

استلان اسکاشگورد، بازیگر سوئدی فیلم‌های هالیوودی، استودیوهای بزرگ و سرما‌یهدارها را مانعی برای دیده شدن فیلم‌های مستقل خوانند. به گزارش مهر به نقل از اسکرین رنت، این روزها پرسیدن نظر فیلمسازان درباره فیلم‌های ابرقهرمانی عادی شده و سخنان سرزنش‌بار کارگردان‌های تحسین‌شده‌ای چون مارتین اسکورسیزی و ری‌دلی اسکات درباره دنیای سینمایی مارول، حرف و سخن‌های زیادی ایجاد کرده است.

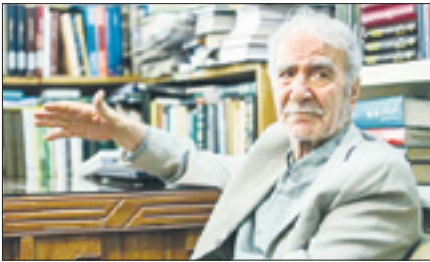
اسکورسیزی سال ۲۰۱۹ فیلم‌های ابرقهرمانی را با پارک‌های موضوعی مقایسه کرده بود و ری‌دلی اسکات اخیراً از این فیلم‌ها با عنوان «فیلم‌های کوتفی خسته‌کننده اشغالی» یاد کرد. اکنون استلان اسکاشگورد که ستاره فیلم‌های ابرقهرمان مارول هم است در گفت‌وگو با گاردین به پرسشی درباره نظر این دو کارگردان پاسخ داد و جواب وی با تأیید و تمجید هوادارانش در شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شد.

اسکاشگورد در این باره گفت: چیزی ندارم علیه فیلم‌های ابرقهرمانی بگویم، خودم در چند تا از آنها بازی کرده‌ام و معتقدم آنها قطعاً جایگاه خاصی خودشان را دارند اما مشکل این است وقتی سیستم اجازه می‌دهد تا هشت نفر نیمی از ثروت جهان را در اختیار داشته باشند و بر بازار فشار بیآورند، بنابراین حیات سینمایی مستقل و کوچک به خطر می‌افتد و آنها به ندرت می‌توانند آن هم در سینماهای بیرون چند شهر بزرگ اکران شوند.

## شعر

ابراهیمی دینانی:

## فردوسی یک سهروردی شاعر است



محمد صادقی

**فردوسی** یک سهروردی شاعر و سهروردی یک فردوسی حکیم و فیلسوف است.

غلامحسین ابراهیمی دینانی، فیلسوف و استاد دانشگاه با تمجید از دو تن از اندیشمندان و نام‌وران تاریخ فرهنگ و ادب ایران، از نقش فردوسی و سهروردی در پیداشدت زبان و فرهنگ ایرانی تحلیل کرد.
ابراهیمی دینانی در وینبنا «شاهنامه و حکمت فیلوی» با اشاره به شاهنامه فردوسی گفت:فقط کافی است کسی شاهنامه را از ابتدا تا انتها بخواند تا بفهمد حماسه او چقدر بلند و در عین حال توحیدی و دینی است، یعنی او یک مسلمانی است که به فرهنگ ایران و تمدن گذشته آن باور داشته و آن تمدن را زنده کرده است. شاید اگر شاهنامه نبود، ما اکنون از خیلی چیزها خیر نداشتیم.

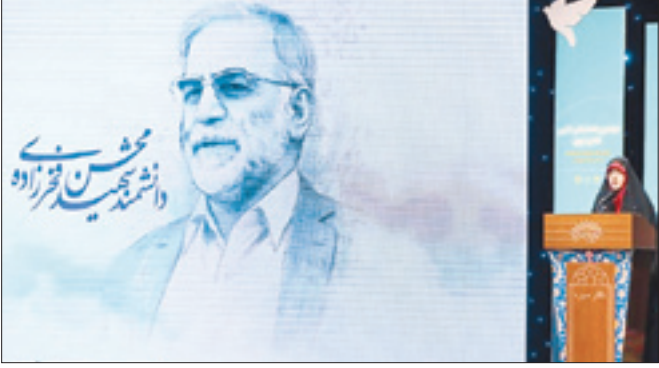
وی با اشاره به حکمت خسروانی افزود: این اصطلاح برای شیخ اشراق است و شیخ اشراق نیز فیلسوفی بوده که خیلی خسروانی بوده و فردوسی با زبان شعر سخن گفته و سهروردی با زبان فلسفی.



| روزنامه جوان | شماره ۶۳۶۰ | دوشنبه ۸ آذر ۱۴۰۰ | ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۱:۵۳ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۱ | اذان مغرب: ۱۷:۱۱ | نیمه‌شب:۲۹:۰۰ | اذان صبح فردا: ۵:۲۶ | طلوع آفتاب فردا: ۶:۵۵ |

تقدیر خانواده شهید فخری‌زاده از شاعران در گردهمایی ادبی به یاد شهید علم

# تو شمع جمع خوبانی نشان فخر ایرانی



شاعران کشورمان در دومین همایش ادبی

**با عنوان فخر ایران** که با حضور خانواده شهید فخری‌زاده همزمان با اولین سالگرد شهادت این شهید عرصه علم کشورمان برگزار شد، شعرخوانی کردند.

حامد فخری‌زاده، فرزند شهید محسن فخری‌زاده در دومین همایش ادبی «فخر ایران» که با حضور شاعران نام‌آشنای کسوری و خانواده بزرگوار شهید بر گزار شد، از بگردورنده کتاب «فرداوند» تقدیر کرد. کتاب «فخر ایران» مجموعه‌ای از اشعار شاعران در سوگ شهادت شهید محسن فخری‌زاده از دانشمندان کشور است که به کوشش محمد مهدی عبداللّهی از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شد. فرزند شهید فخری‌زاده در ادامه شعری را قرائت کرد:

پدرم رفت ولی در قلمش جوهر هست
خط خونی ز مسیرش به سر دفتر هست
گر حسین بن علی بر سرنی قرآن خواند
تا که تحریف نگردد دققش خواهر هست

نه پدر، بلکه برادر که رفیقم
تو هستی
گر ستونی ز برم رفت به سر دامن هست
عالمی مُهر به خون زد همه اعمالش را
مرگ سرخی مگر ای دوست از این بهتر هست؟
عمروعالسان زمان دست به خون آلودند
وندترین بیشه شیران، جنم حیدر هست؟
ای سلیمان نگران باش به سراها برنی
خائن عاقبت‌اندیش، از این بدتر هست؟
از بهشتی و رجاهی و به قاسم، محسن
چند کشمیری پنهان دشمن دیگر هست؟
بیچ و خم‌های جبینت قصه صفین را
فاش گوید که منافق از عدو بدتر هست

■ ■ ■

**«الهام نجمی» از بانوان شاعر کشورمان هم شعری را تقدیم این شهید کرد:**
هزاران ابر در داغت پر از بغضند و بارانند
هنوز از این خیر چشم‌مان مان بی‌تاب و خیرانند
نتت را زخم‌ها چون لاله‌زاری غرق خون کردند
نغمه‌میند در خونت هزاران لاله پنهانند

نگاهت عشق را در دها تا آسمان می‌برد
در آن راهی که عالم را به سوی نور می‌خوانند
همیشه علم تو چون خار در چشمان دشمن
بهارت را خزان کردند و در فکر زمستانند؟

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌وران نشر روز

مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی

سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان

آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری

تقاطع میزای شیرازی، پلاک ۲۸۴

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸

روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴

توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴

چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان

www.javanonline.ir

## حکمت

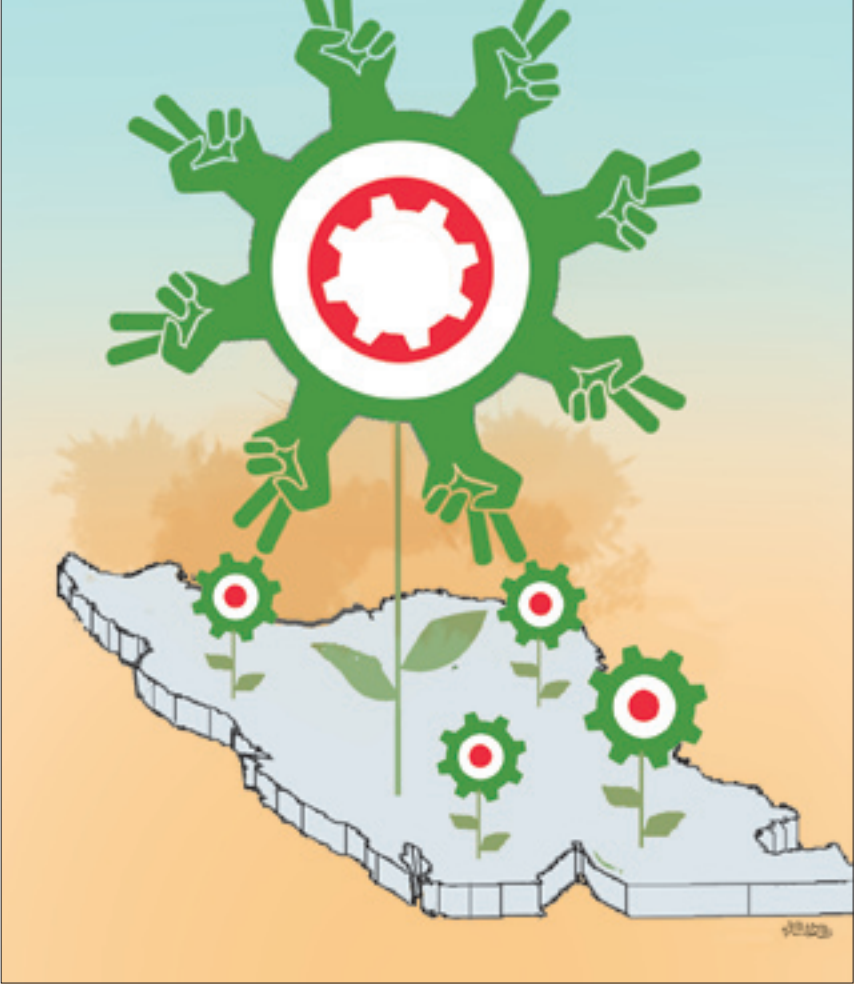
امام حسین(ع):

**کسی که با نافرمانی خدا در پی کاری باشد، آنچه را امید دارد، بیشتر از دست بدهد و به آنچه**

**از آن می‌پرهیزد، زودتر گرفتار آید.**

«گزیده تحف العقول»

## نما احسین کشنگار



## نقد فیلم

## ژانر فریاد، سروصدا و فحش!

**فرشایف پس از ۴ سال با ساخت «تومان» ثابت کرد هنوز دوست دارد فیلمش هنر و تجربه باشد اما «تومان» نه تنها هنر محسوب نمی‌شود بلکه تجربه‌ای هم نمی‌تواند باشد**



افشین علیار

فیلم «تومان» دومین ساخته مر ترضی فرشایف به لحاظ بهره نبردن از حداقل‌های سینمایی به فاجعه نزدیک است. اساساً خزعبل‌سازی تنها مخصوص سینمای کم‌دی نیست، فیلم تومان نشان داد که فیلم می‌تواند بدون زُست کمیک به معنای واقعی چخنگ و خزعبل باشد. تومان یک اثر بی‌هویت بی‌هدف فاقد فیلمنامه و حتی یک طرح دوخطی است که زانرش چیزی جز فریاد و سروصدا و فحش نیست!

فیلمساز فکر کرده می‌تواند یک اثر بکر بسازد اما این فیلم در حد و اندازه یک فیلم کوتاه تجربی هم از کار درنیامده است؛ اثری درباره قمار که به بدترین شکل ممکن ساخته شده یا فیلمساز بعد از تدوین نهایی فیلمش رادیده‌است؟ تصور می‌شود نسخه‌ای که ما از تومان دیده‌ایم، راش‌هایی از فیلم باشد. مگر فیلم به این اشفتگی می‌شود؟ تومان با یک ایده دسته‌جمعی ساخته شده است؛ دیالوگ‌ها بداهه گفته شده، موقعیت‌ها یک‌هویی شکل گرفته، آدم‌های فیلم فقط حضور دارند، تپ هم نیستند، فقط در قاب‌ها قدم می‌زنند، فریاد می‌زنند، همدیگر را کتک می‌زنند، برای چه؟ چرا آدم‌های این فیلم دیوانه و عقب افتاده‌اند؟ چرا آدم‌های بی‌دلیل اینقدر کمین هستند؟ چرا فضای فیلم اینقدر چرک و حال به‌هم‌زن است؟ فیلمساز فیلم نساخته، این چندنمای خدمتگانه با چند آدمی که هیچ‌کدامشان بازیگر نیستند، لابد به انگیزه این ساخته شده که فیلمساز به شهر و دیار خود ادای دین کندا و همین قدر هم از کار در نیامده است. فرشایف خواسته متلاً یک اثر به شدت دلی بسازد، برای همین تومان نمی‌تواند یک اثر حتی ساده سینمایی باشد چراکه این فیلم با سینما فاصله زیادی دارد. تعدد نما و سنکس و لوکیشن در این فیلم قطعاً باعث نمی‌شود که تبحر فیلمساز به چشم بیاید و موقعیت جغرافیایی برای فیلمساز تبدیل به همان بساط قر و آواز در بین گرهبها و پلنگها قمار هسته مر کزی این فیلم به حساب می‌آید، باید بگویم که اساساً موضوعی به این حساسی در لابه‌لای تصاویر به چشم پیسیده‌ا از بین رفته است، شروع فیلم تا دقیقاً ۳۰۰ ۴۰ چیزی را به مخاطب نمی‌دهد و مخاطب تا اواخر فیلم گرفتار ربط‌های علت و معلولی است که داوود چه می‌کند!

## فیلم

نقدی به نگاه سیدجواد هاشمی در ساخت فیلم «شهر گرهبها»

## استکبارستیزی بارقص و آواز اضافه!



مصطفی‌شاه‌کرمی

سیدجوادهاشمی با انتشار ویدئویی «داستان و پیام فیلم «شهر گرهبها» را مبارزه با ترامپ و خوی استکبارستیزی است» می‌داند و می‌گوید: «من ۲۰سال مرپی تربیت‌یی بوده و بارها در فیلم‌ها شهید شده و یادواره شهیدا برگزار کرده‌ام، بنابراین حساسیت‌ها در کم می‌کنم اما برای بچه‌ها فیلم می‌سازم و بارها آن را تماشا می‌کنند و مفاهیمی همچون نفی مهاجرت غلط را در کم می‌کنند، چون فیلمسازی یعنی نفوذ غیرمستقیم برای بیان مفاهیم بلند».

روزگار عوض شده است؛ در سال‌هایی زندگی می‌کنیم که وجوه استکبارستیزی و شیوه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی دچار تغییرات ماهوی شده و به شکل غیرقابل باوری همه مرزها را در هم نوردیده است و می‌توان با راه‌انداختن بساط قر و آواز در بین گرهبها و پلنگها هم سبوعیت و بردگی گرگ‌هایی مثل ترامپ تروریست را برای نسل جدید و قدیم تبیین کرد و هم «خوی استکبارستیزی» را به معنای تام تصویر کرد؛ البته تنها کسانی اجازه ورود به ساخت استکبارستیزی و ترامپ‌شناسی را دارند که اولاً سابقه ۳۰سال مربیگری تربیتی داشته باشند، ثانیاً بارها در فیلم‌های مختلف سینمایی شهید شده باشند؛ اعدر بدتر از گناه مصداق همین حرف است. سیدجوادهاشمی باید بداند که اتفاقاً جامعه از کسانی که ۳۰سال سابقه مرپی تربیتی بودن، شهید شدن در آثار متعدد سینمایی و برگزار کردن یادواره شهیدا را دار، توقع دارد به ارزش‌های جامعه و مظاهر آن بیشتر از دیگران بایبند باشد؛ خصوصاً اینکه آن بازیگر همه احترامی را که در جامعه کسب کرده مدیون

<sup>[1]</sup> سیدجوادهاشمی با انتشار ویدئویی «داستان و پیام فیلم «شهر گرهبها» را مبارزه با ترامپ و خوی استکبارستیزی است» می‌داند و می‌گوید: «من ۲۰سال مرپی تربیت‌یی بوده و بارها در فیلم‌ها شهید شده و یادواره شهیدا برگزار کرده‌ام، بنابراین حساسیت‌ها در کم می‌کنم اما برای بچه‌ها فیلم می‌سازم و بارها آن را تماشا می‌کنند و مفاهیمی همچون نفی مهاجرت غلط را در کم می‌کنند، چون فیلمسازی یعنی نفوذ غیرمستقیم برای بیان مفاهیم بلند»